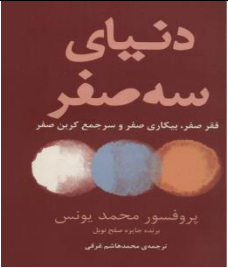





## یادداشتی برای وبگاه و خبرنامه شهریور ماه ۱۴۰۰ انجمن آموزش مهندسی ایران

### فناوری اطلاعات: درد یا درمان؟

#### اقدامات محمد یونس در مواجهه با انگاره های میشل اونفره

			
دنیای سه صفر	محمد یونس	میشل اونفره	نظریه دیکتاتوری

#### سید ابراهیم ابطی

استادیار دانشکده مهندسی کامپیوتر - دانشگاه صنعتی شریف

[abtahi@sharif.edu](mailto:abtahi@sharif.edu)

#### مقدمه

از قول باراک اوباما ریاست جمهوری اسبق امریکا در پشت جلد کتاب **دنیای سه صفر**<sup>۱</sup> نوشته شده است: "محمد یونس<sup>۲</sup> کلاس درس دانشگاه را برای کار در یک روستا ترک کرد و فهمید تنها با ۲۷ دلار می توان کشاورزها، راننده های ریکشا و فروشنده های خرده پا را از بدهکاری نجات داد. یونس تلاش کرد که به یک روستا کمک کند اما قدم در راه تغییر دنیا برداشت!"

بیژن عبدالکریمی<sup>۳</sup> در پیش گفتار کتاب **نظریه دیکتاتوری**<sup>۴</sup> نوشته است: "میشل اونفره<sup>۵</sup> فیلسوف معاصر و روشنفکر عرصه عمومی فرانسوی است. ظاهراً به نحوی رادیکال منتقد جوامع غربی و لذا از زمره فیلسوفان چپ اما نه به معنای مارکسیستی آن است. از نظر روشنفکر معاصر فرانسوی تضمین وجود یک مراقبت دائمی از شهروندان، از بین رفتن زندگی شخصی، حذف تنهائی، یکسان شدن عقاید، و... از عوامل انهدام آزادی در جوامع هستند و در روزگار ما قدرت های سیاسی به کمک قدرت خارق العاده تکنولوژی های جدید، همه این مولفه های دیکتاتوری را فراهم می آورند. اونفره به تبع (جورج) اورول (در ۱۹۸۴ و مزرعه حیوانات) از مقولاتی چون قدرت، توتالیتراریسم، سیستم پلیسی و امنیتی در جوامع مدرن، عقیده سازی از طریق رسانه های گروهی، کنترل هستی انسان ها از طریق تکنولوژی های جدید، دخالت در زندگی خصوصی افراد و حتی حذف آن، فقر یا نابودی زبان، ایجاد دشمنی دروغین رسانه ای، انتشار اخبار کذب و غیر واقعی، خلق واقعیت های ناموجود، نادیده گرفتن واقعیت های موجود، برجسته کردن امور حاشیه ای، کم رنگ کردن امور اصلی، تحریف گذشته، نگرش

<sup>۱</sup> - دنیای سه صفر: فقر صفر، بیکاری صفر و سرجمع کربن صفر، ترجمه محمد هاشم غرقی، انتشارات امین الضرب، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۹

<sup>۲</sup> - Muhammad Yunus، محمد یونس

<sup>۳</sup> - فیلسوف ایرانی مدرس دانشگاه.

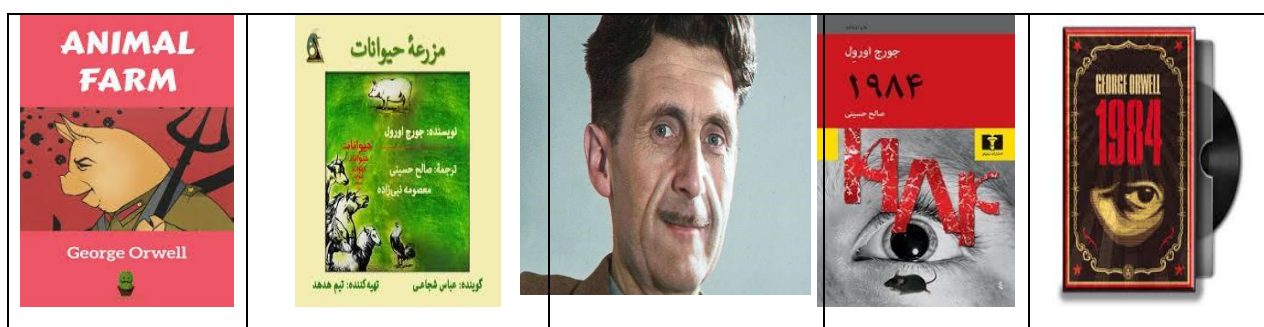
<sup>۴</sup> - نظریه دیکتاتوری، ترجمه رضا خلیلی، انتشارات نقد فرهنگ، چاپ اول، ۱۴۰۰

<sup>۵</sup> - ميشل اونفره، Michel Onfray

ایدئولوژیک به تاریخ، جعل و تحریف تاریخ و تاریخ سازی‌های سیاسی و ایدئولوژیک، محدود شدن قدرت و ثروت به کانون‌های محدود و مشخص، خلع ید مردم از مراکز قدرت، وجود دولت‌های پنهان و ناپیدا بودن طبقه حاکمه و دولت واقعی، انکار حقیقت و کوشش به منظور تولید حقیقت، صنعتی شدن و کالایی شدن ادبیات و هنر، تولیدات هنری، اشتیاق به ایجاد امپراتوری، قالبی کردن افراد جامعه و... سخن گفته، آنها را در نظریه خویش بازگو می نماید."

### مواجهه انگاره های یک فیلسوف متفکر با اقدامات یک رهبر جامعه مدنی

اونفره در نتیجه گیری کتاب خود که با مطالعه تطبیقی محتوای دو کتاب جورج اورول ، ۱۹۸۴ و مزرعه حیوانات با وضعیت امروز جهان آغاز می شود، با عنوان اصلی ترقی خواهی نیهیلیستی و عنوان فرعی شر هم می تواند ترقی کند، می نویسد :



"امروزه چه کسی انکار می کند که پرتره توتالیتریسمی که اورول با قلم مو کشیده است، کمابیش تصویری از دوره ماست؟ در واقع آزادی دوره ما، ناجور است، زبان مورد حمله قرار گرفته، حقیقت برچیده شده، از تاریخ استفاده ابزاری می شود، طبیعت از بین رفته، نفرت تشویق می شود و امپراتوری به حرکت درآمده است. آنچه به عنوان پیشرفت به ما عرضه می شود حرکتی است به سوی نیهیلیسم، پیشرفتی به سوی نیستی، حرکتی به سوی نابودی. زیرا به همان شیوه ای که پیشرفت یک سرطان یا بیماری دیگری ناگزیر به مرگ منتهی می شود، آیینی که در حال حاضر محکوم به پیشرفت است - البته این پیشرفتی که افراد معروف به ترقی خواه مدعی آن هستند -، شبیه کرنش در مقابل مگاک و سپس پرت کردن خود به درون آن است. پیشرفت به یک بت واره ترقی خواهی به مذهب زمانه ای بدون امر مقدس، به امید دوره ای نوین و به ایمان تمدنی بی ایمان بدل گشته است!"

اونفره با بیان هفت تیز زیر، برای توصیف دوران معاصر جهان، نتیجه گیری خود را ادامه می دهد:

۱. نخستین تیز: آزادی مانند چرم ساغری آب می رود.
۲. دومین تیز: زبان مورد حمله قرار گرفته است.
۳. سومین تیز: حقیقت برچیده شده است.
۴. چهارمین تیز: از تاریخ استفاده ابزاری می شود.
۵. پنجمین تیز: طبیعت از بین می رود.
۶. ششمین تیز: نفرت تشویق می شود.
۷. هفتمین تیز: امپراتوری به حرکت در آمده است.

در مورد نخستین تز که مرتبط با موضوع این نوشته - تبعات و اثرات فناوری اطلاعات - است **اونفره** می نویسد: "ما در جامعه‌ای تحت مراقبت هستیم که در آن، حرف‌ها و حضورها، بیانات و اندیشه‌ها، ایده‌ها و جابجایی‌ها قابل ردگیری و شناسایی هستند. به طوری که همه اطلاعات ذخیره شده این توان را دارند که پای ما را به دادگاه اندیشه بکشانند."

ما بایگانی می شویم: از طریق تلفن همراهمان که بهترین ابزار بندگی خودخواسته آواره است. از طریق کامپیوتر شخصی مان که محصول متصلی است به ابزار نخست، از طریق دوربین‌های مدار بسته ای که همه جا حاضر هستند، در خیابان، در پارکینگ ها، در مغازه ها، در ساختمان ها، در دستگاه‌های کنترل از جمله کدهای دیجیتال دوربین و درب ورودی خانه ها، از طریق اتوماسیون خانگی از نوع الکسا که میکروفون های خود را در خانه ها نصب می کند و چون به اینترنت وصل هستند، با آنها می شود همه چیز را شنید، از طریق تعیین حدود از این ابزارهای آواره، از طریق ساعت های مچی دیجیتال که آنها هم به بدن متصل هستند و بدن، میزان قند، میزان چربی، میزان ضربان قلب، عادات ورزشی، خواب، تعداد طبقات بالا رفته و عادات غذایی را زیر نظر می گیرند.

از طریق استفاده از کارت هوشمند، کارت ویزا، کارت حیاتی، کارت های وفاداری مغازه دارها را فراموش نکنیم، از طریق رادارها و دوربین های نصب شده درون جاده ها، از طریق جعبه های (تعیین میزان مخاطبان یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی)، از طریق موسسه های نظرسنجی، از طریق پلتفرم های مکالمه از راه دور؛ از طریق شبکه های اجتماعی که مصیبت عظمی و ابزار نمایش همه جوره خودمان هستند؛ در واقع ما آنجا بدون حجب و حیا خرید مواد غذایی، آشپزی، فرودادن غذا و دفع آنها را نمایش می دهیم. ما در شبکه های اجتماعی بدون شرم، بدن خود را نمایش می دهیم، خالکوبی شده، برنزه، چاق، ماهیچه ای، چروکیده، پر مو، تراشیده، آرایش شده، پوشیده، عریان، آستن، بیمار و مصدوم. ما آنجا بدون شرم و حیا عقاید، قضاوت ها، اظهار نظرها، اندیشه ها، توهین ها، علاقه و نفرت خود را در معرض دید قرار می دهیم. ما آنجا در روز روشن بی آنکه الزاماً نظر آنها را خواسته باشیم که اینجا، آنجا یا جای دیگر در محیطی خصوصی یا صمیمی ملاقات کرده ایم، رد پا یا مدرک این ملاقات را قرار می دهیم، ما آنجا در باره هنر معاصر ابراز نظر می کنیم، حتی اگر نام **مارسل دوشان**<sup>۱</sup> را ندانیم، درباره سیاست نظر می دهیم، حتی اگر نام خانوادگی نخست وزیر را نشناسیم، حتی اگر هرگز تلمود، انجیل یا قرآن را باز نکرده باشیم درباره مذهب اظهار نظر می کنیم، درباره غذای رستورانی که پای خود را هرگز در آن نگذاشته ایم، درباره فیلمی که ندیده ایم، درباره کتابی که نخوانده ایم، درباره کشوری که از آن دیدن نکرده ایم، درباره کنسرتی که به آن نرفته ایم، درباره اندیشه نویسنده ای که هیچ کتابی از او نخوانده ایم؛ ما در شبکه‌های اجتماعی عکس ها، سلفی ها، فیلم های جنسی تکی، دو نفره یا چند نفره خود را رو می کنیم، یا اگر نه، سراغ عکس با فناری خود یا عکس از حیوانات خانگی خود - سگ و گربه و اژدرمار و موش، ماهی گلی و خرگوش - می رویم؛ هیچ چیز از بارگذاری خود خواسته تصاویر خودمان برای دیگران نمی گریزد.

این مراقبت‌ها کامل ترین مراقبتی است که تا کنون وجود داشته، زیرا هیچ نظام توتالیتری نمی توانست به این خوبی امیدوار باشد که خود شیفتگی و خود ستایی، آدم ها را وادارد که خبر چین خود شوند، آن هم با شادمانی، رضایت... انسان پست مدرن هم این خود سلاخی را عینیت می بخشد: جلاد و قربانی خویشتن، چکش و سندان خویشتن، زخم و چاقوی تن خویشتن، سیلی و گونه خویشتن، اعضای بدن و چرخ شکنجه. این منطق با پیدایش انفورماتیک و اینترنت است که به ظرافت خود دست می یابد. همه این اطلاعات یک جا جمع شده، در یک ابر یعنی آی-کلود کذایی یافت می شود که جایگزین فرشته‌های آسمان تهبی از خدای یهودی- مسیحی شده است. آی-کلود، گاو صندوقی است که در آن از اموال خود دزدی می کنیم و آنها را تقدیم دزدها می کنیم. ما بی وقفه به خود دستبرد می زنیم، تا کسی که ما را تیغ می زند، بهتر از ما بهره کشی کند. منظورم

<sup>۱</sup> - Marcel Duchamp : نقاش ، مجسمه ساز ، شطرنج باز و نویسنده فرانسوی.

دنیاى GAFa است، يعنى گوگل، آبل، فیسبوک و آمازون. در میان ما کیست که برای این **بهیموث**<sup>۱</sup>، حتی یک داده هم فراهم نکرده باشد؟ بهیموثی که همه **لویاتان**<sup>۲</sup> های توتالیترا پشت سر گذاشته است.

دنیاى GAFa پروژه هدف خود را پنهان نمی کند: ایجاد پسا انسان، گذشتن از انسان، از سر باز کردن این ایده از مد افتاده. GAFa ایدئولوژی دارد که توسط نخبگانی راه اندازی شده که ثروتی بی پایان و بنابراین قدرتی مطلق در اختیار دارند. هر کلیک در گوشه ای از کره زمین، واریز یک سکه طلائی به کیسه پول آنهاست. آنها دانشمندان، محققان، مهندسان، کارشناسان انفورماتیک، زیست شناسان، جراحان، متخصصین هوش مصنوعی، برنامه نویسان، متخصصین سایبرنتیک، اختر فیزیک دانان، متخصصین اعصاب، فیلسوف ها، جامعه شناسان را جذب کرده اند تا یک **شیمرا**<sup>۳</sup> به وجود آورند: شیمری که بدن بیولوژیکی و جسم دیجیتالی را پیوند می دهد.

این سرمایه به اصطلاح خفته، یک بانک داده ای غول پیکر را به وجود می آورد. تنظیم یک کامپیوتر کوانتومی پردازش میلیاردها اطلاعات در مدت جدید ناچیزی از نانو ثانیه ها را در روز مقرر، امکان پذیر خواهد ساخت. این سرعت برق آسا به یک انقلاب واقعی منجر خواهد شد. **برگسون**<sup>۴</sup> خنده را نتیجه یک روکش مکانیکی روی یک موجود زنده تلقی می کرد، او نمی توانست تصور کند که این تصادم اندیشگانی، تبدیل به طرح پسانسان خواهد شد.

این آرشيوها، قالب های هستی شناختی ای هستند که با آنها می توان موجودات جدید ساخت. از حالا دیگر می توانیم پیوند سر روی بدن های بی سر، اما همچنين پیوند مغز در سرها و حتی در بدن های اهدا کننده ها را تصور کنیم. همین مغز را می توان به شیوه ای مصنوعی مطلع کرد. آزمایش لابراتوار به موش ها خاطرات رویدادهایی را القا می کنند که آنها تجربه نکرده اند. پس این مغز شکل پذیر، موم دست نخورده ای است که می توانیم آنچه را مایل هستیم روی آن چاپ کنیم یا از بین ببریم.

در این لحظه است که آرشيوهای دیجیتالی از آنچه بودیم دوباره در فضای آبری ظاهر می شود: گفتگوهای ما، محتوای آنها، قضاوت های ما، ساز و کار آنها، اولویت های ما، علایق و بیزاری های ما، جزئیات صدای ما آهنگ و و طرز بیان کلام ما، سرعت پاسخگویی ما، تیک های زبانی و فکری ما- همه اینها حافظه ای از امور تجربه شده را تشکیل می دهند از آنچه زیست شده است که می توان آن را در یک مغز دیگر ریخت یا آن را از مغز اولی پاک کرد. کنترل یک موجود هرگز از این موفق تر نبوده است - آن هم با همدستی خود او.

به لحاظ نظری می توان از این سلطه دیجیتالی گریخت: برای انجام این کار، مجهز نشدن کفایت می کند! نه تلفن همراه، نه کامپیوتر، نه کارت هوشمند. اما در عمل چه کسی قادر به انجام این کار است؟ از چند دهه پیش تا کنون، بنا بر دستورات دولتی، اداری و هشدارهای اجتماعی، این ابزارها برای به انجام رساندن اکثر فعالیت های ضروری اجباری شده اند: برای برقراری ارتباط، خرید، فروش، جا به جا شدن، تغذیه، لباس پوشیدن، خوردن، خوابیدن، درمان، مطلع شدن، اعلام درآمد و پرداخت مالیات. می توان در شبکه های اجتماعی ثبت نام نکرد، اما چه کسی می تواند بدون آنکه قبلا کارت های پلیسی خود را فعال کرده باشد با قطار یا هواپیما سفر کند، با تاکسی جا به جا شود، هزینه یک وعده ی غذایی یا خوراک را در یک رستوران یا یک مغازه پرداخت کند، نزد پزشک و سپس نزد دارو فروش برود، یا در یک بیمارستان بستری شود؟ هیچکس!"

<sup>۱</sup> - Behemoth ، نام جانوری افسانه ای که در عهد عتیق و کتاب ایوب است که به عنوان جانوری اهریمنی ذکر شده است.

<sup>۲</sup> - Leviathan ، هیولای دریایی با چندسر.

<sup>۳</sup> - Chimere، در اسطوره یونانی، هیولایی است ساخته شده از اعضای حیوانات مختلف مانند شیر، بز، اژدها و مار.

<sup>۴</sup> - Henri Bergson : فیلسوف مشهور فرانسوی .

آن روی سکه این نگره که بنظر بدبینانه و یا نه چندان خوشبینانه می‌رسد، نه نگاه، بلکه اقدامات محمد یونس، برنده جایزه صلح نوبل و بنیانگذار کسب و کار اجتماعی<sup>۱</sup> است. یونس در فصل هشتم کتاب **دنیای سه صفر** با عنوان **تکنولوژی: رها سازی نیروی علم برای آزادسازی همه مردم**، می‌نویسد: "انسان‌ها طراح و به حرکت آورنده تکنولوژی هستند. در جهان امروز، تکنولوژی غالباً برای مقاصد خودخواهانه و برای توفیق تجاری طراحی می‌شود- و گاهی، چنان که تاریخ جنگ‌ها به وضوح نشان می‌دهد- برای ویرانی وحشتناک. چالش واقعی حالا این است که بگذاریم طراحان اجتماعی و افرادی که به لحاظ اجتماعی انگیزه بخش هستند، زمام تکنولوژی را به دست بگیرند و آن را در جهتی هدایت کنند که نیاز داریم در آن جهت حرکت کند. چون من طراح تکنولوژی نیستم، تلاش کرده‌ام، تکنولوژی در دسترس را که برای مقاصد خودخواهانه طراحی شده، طوری به کار بگیرم که در خدمت مقصودی اجتماعی باشد. اما این بهترین وضعیت نیست، تکنولوژی ای که از ابتدا برای مقاصد اجتماعی طراحی می‌شد، قوی تر می‌بود و به شکلی تصاعدی نیروی مولد خودش را ایجاد می‌کرد. هنوز این پیشرفت را در تکنولوژی کم داریم. سال‌ها پیش، من به نیروی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات باور پیدا کردم. این موضوع ترغیب‌آمیز کرد تا یک شرکت تلفن همراه به نام گرامین تأسیس کنم. ما تلفن همراه را به روستاهای بنگلادش بردیم و به زنان فقیر وام‌هایی دادیم تا بتوانند با هدف ایجاد درآمد، تلفن همراه بخرند. افراد محلی که نیاز داشتند به اینکه پیوندی با جهان بیرون برقرار کنند تلفن همراه زن صاحب تلفن را برای چند دقیقه اجاره می‌کردند. این مدل کسب و کار کارآفرینانه ساده موفقیت بسیار سریعی داشت. نزدیک به نیم میلیون زن فقیر در بنگلادش در مقام زن صاحب تلفن به درآمدی اضافه برای خانواده‌هایشان دست پیدا کردند".

**محمد یونس** هم قائل است که: ابداعات بزرگ، غالباً برای موفقیت تجاری طراحی می‌شوند و در خدمت آن هستند. سیل خلاقیت به آن جهتی سرازیر می‌شود که تاجران قابلیت‌های بازار را در آن سو می‌بینند. در بیشتر موارد نوایغ تکنولوژیک به این سمت رانده خواهند شد که بر محصولی تمرکز کنند که قابلیت میلیون‌ها دلار سود آوری داشته باشند. منفعت، ستاره قطبی اقتصاد متعارف است. در نبود مقصدی جمعی، تنها نشانه‌ای در شاهراه، که می‌توانیم دنبال‌اش کنیم، ستاره قطبی منفعت است. در حالی که برای توسعه روبات‌سازی و هوش مصنوعی برای مقاصد نظامی و تجاری، تریلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری می‌شود، توجه اندکی به این می‌شود که تکنولوژی را برای غلبه بر مشکلات بشری جهان به کار ببندیم.

با این حال، تلاش‌های فردی در کار است که توان تکنولوژی را در خدمت حصول اهداف اجتماعی در آورند. یکی از مثال‌ها، شرکت کامپیوتری **اندلس**<sup>۲</sup> به بنیانگذاری **مت دالیو**<sup>۳</sup> است که با تشخیص توان کامپیوترها، وقتی که برای تغییر زندگی افراد فقیر با فاوا<sup>۴</sup> امروزه پیوند یافته باشند، شروع کرد به ترکیب کردن توان کامپیوتر و توان تلفن هوشمند. او می‌خواست مدل‌هایی برای کامپیوترهای رومیزی و لپ‌تاپ را از پایه طراحی کند تا برای کاربران جهان در حال توسعه - از جمله مردمی که به اتصال اینترنت یا الکترونیسته قابل اعتماد دسترسی ندارند - مقرر به صرفه و عملی باشد. هدف‌اش این بود که قیمت کامپیوتر را تا ۵۰ دلار آمریکا پایین بیاورد.

رویای بزرگ محمد یونس جهانی با سه صفر یعنی فقر صفر، بیکاری صفر و سرجمع کربن صفر است. تولد بانکداری فقرا یا روستا (گرامین بانک) شاید گام اول بود پس از قحطی سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴ که او با طرح راه حل خرده‌وام و بن‌سازه شبکه اجتماعی به پاسخ‌پس پرداخت. گرامین بانک با خرده‌وام‌های بی‌وثیقه و موسسینی از بین خود فقرا، با تقبل عدم برداشت سود سهامداران و سرمایه‌گذاری مجدد در بانک، به عنوان ساختاری ابتدا محلی و بعد جهانی شکل گرفت. از آن زمان خرده‌وام، ظرفیت‌های کارآفرینانه بالغ بر ۳۰۰ میلیون مردم فقیر را در اطراف جهان، حتی در آمریکا و فرانسه، شکوفا کرده است.

<sup>۱</sup> - S-commerce : Social Commerce

<sup>۲</sup> - Endless

<sup>۳</sup> - Matt Dalio

<sup>۴</sup> - فاوا : فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT : Informaion & Commination Technology

در بنگلادش سالانه بیش از دو و نیم میلیارد دلار آمریکا به نه میلیون نفر تا سال ۲۰۱۶ قرض داده که میزان بازپرداخت آن رقم شگفت انگیز بیش از ۹۶ درصد بوده است. بانک گرامین آمریکا با ۱۹ شعبه در ۱۲ شهر آمریکا، ۸۶ هزار زن وام گیرنده با خرده وام حدود هزار دلار داشته که با کل وام ۶۰۰ میلیون دلاری، ۹۹ درصد بازپرداخت داشته است. کسب و کار اجتماعی دستاورد مهم محمد یونس است که کار آفرینی به کمک فناوری‌هایی مثل فناوری اطلاعات را بر بُن سازه<sup>۱</sup> آماده شبکه‌های اجتماعی و مدل‌های کسب در آمدی آن، بنا نهاد و کاهش فقر و بیکاری و تبعات زیست محیطی فعالیت‌ها را به سمت صفر در هدف گذاری جهت داد که موضوع مباحث کتاب دنیای سه صفر اوست.

آنچه به عنوان کسب و کار اجتماعی یونس<sup>۲</sup> به نام خود او شکل گرفته، اکنون در هفت کشور دنیا فعالیت دارد، مثلاً شرکتی به نام زنبورهای طلایی که مقرش در کامپالا پایتخت اوگاندا است. فعالیت‌های یونس با وجه مشترک کمک به کسانی که از چاه فقر بیرون بیایند یا از نقطه فعلی پایین تر نروند و روزنه ای در زندگی آنها گشوده شود، شامل طیفی وسیعی از خدمات ناشی از فعالیت کارآفرینانه بر بُن سازه کسب و کار اجتماعی شامل: خدمات پزشکی و سلامت، زنجیره فروش صنایع دستی، تولید عینک ارزان قیمت، ارائه ساعت های هوشمند به زنان حامله برای ارتباط از دور با مراقبین بهداشتی در دوران بارداری و ارائه خدمات امدادی تعمیر ماشین است.

**محمد یونس** همچون **اونفری** به بحران ناشی از منفعت شخصی در اهداف سرمایه داری معاصر- که بیشتر عنوان کسب و کار جهانی برانزده آن است- قائل است اما فقط تهدیدها و نقاط ضعف را نمی بیند بلکه با شعار دنیای سه صفر و ابداع کسب و کار اجتماعی در صد کاهش فقر و نابرابری به کمک فناوری است که در نمونه کشور خود بنگلادش، دستاوردهای قابل توجهی در کاهش رشد منفی در اقتصاد و جهش به سمت رشد سالیانه مثبت اقتصادی را به منصف ظهور رسانده است. شاید حل مشکلات فقرا به دست خودشان با ساختارهای مناسب از جمله کارآفرینی مبتنی بر جمع سپاری، لگامی بر دهان پر خروش تهدیدها و نقاط ضعف فناوری های نو بزند، به ویژه فناوری های اطلاعاتی. کسب و کار اجتماعی زیرکه نمونه ای از توفیقات راه حل های **محمد یونس** است که کلام پایانی مواجهه انگاره ها و اقدامات دو متفکر مورد بحث ماست.

شرکت توزیع گرامین نمونه ای دیگر از یک کسب و کار اجتماعی موفق بر اساس مفروضات و اقدامات محمد یونس است. شبکه ای از بازاریابی محلی که سال ۲۰۰۹ برای فروش محصولات تجاری مفید و با قیمت مناسب جلوی در منازل مناطق دور افتاده ایجاد شده است. زنان فقیری که به عنوان اعضای شبکه بازاریابی گرامین استخدام شده اند، محصولات شامل دستگاه ها و لوازم جانبی تلفن های همراه، صفحه های خورشیدی و سیستم های کوچک خورشیدی، پشه بندهای مجهز به مواد شیمیایی برای کاهش ابتلا به مالاریا و سایر بیماری های عفونی، چراغ ها و لامپ های کم مصرف، با بازاری به بزرگی یک و نیم میلیون خانه در مناطق دور افتاده، توزیع می کنند. به این ترتیب این شرکت برای چندین هزار زن روستایی اشتغال مردمی ایجاد کرده و درآمد خانوادگی شان را به طور متوسط ۳۷ دلار آمریکا در ماه افزایش داده است. در کشوری که حداقل حقوق دریافتی در صنعت عظیم پوشاک ۶۸ دلار در ماه است، این میزان افزایش درآمد نقش مهمی در تلاش خانواده ها برای بیرون آمدن از فقر دارد.

<sup>۱</sup> - شالوده یا زیر ساخت : Platform یا Backbone

<sup>۲</sup> - YSB : Yunus Social Business